

Institutional Quality and Fiscal Sustainability in Developing Countries: A Comparative Panel Analysis of Oil and Non-Oil Economies

Javad Taherpoor* 

Associate Professor in Economics,
Department of Economics, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ail Arab Mazar Yazdi 

Assistant Professor in Economics,
Department of Economics, Allameh
Tabataba'i university, Tehran, Iran

Mahshid Malekhosseini 

Master's Student in Economics, Department
of Economics, Allamah Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

Financial instability poses a challenge for developing countries, particularly oil-dependent developing nations, due to their reliance on windfall oil revenues. During periods of abundant oil income, governments tend to increase spending under political pressures,

* Corresponding Author: taherpoor.j@atu.ac.ir

How to Cite: Taherpoor, J., Arab Mazar Yazdi, A., and Malekhosseini, M. (2024). Institutional Quality and Fiscal Sustainability in Developing Countries: A Comparative Panel Analysis of Oil Non-Oil Economies. *Journal of Economic Research*, 95 (24), 5- 50

Accepted: 27/12/2025

Revise: 24/11/2025

Received: 13/ 7/2025

ISSN: 1735-210x

eISSN: 2476-6453

while during times of declining revenues, they struggle to reduce expenditures proportionally due to spending rigidities. In this context, institutional quality appears to influence fiscal sustainability by fostering fiscal discipline. Accordingly, this study examined the impact of institutional quality on fiscal sustainability in 11 oil-producing developing countries and 16 non-oil developing countries from 2010 to 2020, using panel regression models and the PCSE technique. To measure institutional quality, three indicators were used: control of corruption, rule of law, and regulatory quality, while fiscal sustainability was measured by budget deficit volatility. The estimation results indicate a negative relationship between budget deficit volatility and institutional quality indicators. Furthermore, a comparative analysis revealed that the effects of corruption control and regulatory quality are stronger in oil-producing developing countries, whereas the rule of law has a greater impact on budget deficit volatility in non-oil developing countries.

Introduction

The mismatch between the growth of government revenues and expenditures has turned fiscal instability into a serious challenge in developing countries, particularly in many oil-dependent developing nations. In these countries, governments control windfall oil revenues and, disregarding their finite and volatile nature, expand their expenditures—especially consumptive spending—to gain political support, thereby exacerbating fiscal instability. Iran, too, has faced fiscal instability due to its long-term reliance on windfall oil revenues, which the government has used to expand consumptive expenditures (through hiring, wage payments, subsidies, etc.), as well as to finance the legacy of the eight-year Iran-Iraq war. Therefore, this research

aims to examine how institutional quality affects the fiscal sustainability of governments and how this effect differs between oil-rich and non-oil developing countries.

Method

The present study estimates the aforementioned model once for oil-rich developing countries and once for non-oil developing countries using panel data models and the PCSE technique, with Stata 17. After estimating the models, the results of the two models were compared using a Z-test.

Results

Since the Hausman test confirmed the fixed-effects model, the Wald test confirmed the presence of heteroskedasticity, and the Wooldridge test confirmed first-order autocorrelation in the error terms for both groups of countries, and given that the number of cross-sections (N) is larger than the time periods (T), the PCSE estimator is used for estimation. The results for oil-rich developing countries indicate a negative relationship between the rule of law, corruption control, regulatory quality, and budget deficit fluctuations. In non-oil developing countries, a negative relationship between institutional quality indicators and budget deficit fluctuations was confirmed. A comparison of the results between the two groups shows that the impact of corruption control and regulatory quality on budget deficit fluctuations is stronger in oil-rich developing countries.

Conclusion

According to the findings, the effects of corruption control and regulatory quality on budget deficit fluctuations are stronger in oil-

rich developing countries, while the effect of the rule of law is stronger in non-oil developing countries.

Keywords: fiscal sustainability, institutional quality, oil-exporting developing countries, non-oil developing countries, control of corruption, regulatory quality, rule of law, panel data

JEL Classification: E02, E62, H62, H63, C33





اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت در کشورهای در حال توسعه نفتی و غیر نفتی

جواد طاهرپور*  | دانشیار اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران

علی عرب مازار یزدی  | استادیار اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مهشید ملک حسینی  | دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد توسعه و برنامه ریزی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

ناپایداری مالی، کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای در حال توسعه نفتی را به دلیل وابستگی به درآمدهای بادآورده نفتی با چالش مواجه کرده است. در زمان وفور درآمدهای نفتی به دلیل فشارهای سیاسی دولت مخارج خود را افزایش می‌دهد در صورتی که در زمان کاهش این نوع درآمدها به دلیل چسبندگی بودن مخارج، قادر به کاهش مخارج خود متناسب با کاهش درآمدها نخواهند بود. به همین منظور در این پژوهش اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت‌ها در ۱۱ کشور در حال توسعه نفتی و ۱۶ کشور در حال توسعه غیرنفتی طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ با استفاده از الگوی رگرسیونی پانل و تکنیک PCSE بررسی شده است. برای نشان دادن کیفیت نهادی از سه شاخص کنترل فساد، حاکمیت قانون و کیفیت نظارتی استفاده شده و پایداری مالی نیز به وسیله نوسانات کسری بودجه نشان داده شده است. نتایج تخمین مدل‌ها حاکی از وجود رابطه‌ای منفی میان نوسانات کسری بودجه و شاخص‌های کیفیت نهادی در هر دو گروه از کشورها است. همچنین نتایج مقایسه مدل‌ها نشان داد که اثر کنترل فساد و کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر است و در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی اثر حاکمیت قانون بر نوسانات کسری بودجه بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: پایداری مالی، کیفیت نهادی، کشورهای در حال توسعه نفتی، کشورهای در حال توسعه غیرنفتی، کنترل فساد، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون، پانل دیتا.

طبقه‌بندی JEL: E02, E62, H62, H63, C33

*نویسنده مسئول: taherpour.j@atu.ac.ir

۱. مقدمه

عدم وجود تناسب در رشد درآمدها و مخارج دولت، ناپایداری مالی دولت را به یک چالش جدی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نفتی تبدیل کرده است. پایداری مالی را می‌توان به روش‌های مختلفی تعریف کرد، اما شاید رایج‌ترین تعریف، توانایی بلندمدت دولت برای برآورده کردن مداوم تعهدات هزینه‌ای موجود با منابع موجود (یعنی از نظر اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر) باشد (Rose, 2010).

در کشورهای نفتی، ناپایداری مالی تهدیدی جدی است. در این کشورها، دولت‌ها با در انحصار کامل داشتن درآمدهای بادآورده نفت و بدون توجه به پایان‌پذیر و نوسانی بودنشان مخارج خود به ویژه مخارج مصرفی را با هدف دریافت حمایت‌های سیاسی بی‌رویه گسترش می‌دهند و ناپایداری مالی را تشدید می‌کنند. علاوه بر این، فساد گسترده، عدم وجود شفافیت و پاسخگو نبودن دولت، افراد را نسبت به پرداخت مالیات بی‌میل کرده و فرار مالیاتی را افزایش می‌دهد، زیرا معتقدند که دولت این درآمدها را در جهت منافع عمومی و تامین نیازهای اساسی جوامع تخصیص نخواهد داد و این موضوع نتیجه‌ای جز ناپایداری مالی برای کشورهای در حال توسعه نداشته است.

نورث^۱ (۱۹۹۰) نهادها را قوانین بازی و یا قیودی وضع شده از جانب بشر معرفی می‌کند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. نهادها می‌توانند با مقید کردن رفتار دولت‌ها مانع از رشد بی‌رویه مخارج یا تخصیص درآمدها در زمینه‌های نامولد شوند. همچنین وجود نهادهایی کارآمد با ایجاد شفافیت و تضمین حقوق مالکیت با ترغیب مردم به پرداخت مالیات منجر به فراهم کردن درآمدی پایدار برای دولت در کشورهای در حال توسعه خواهند شد.

ایران نیز به دلیل سال‌های طولانی وابستگی به درآمدهای بادآورده نفتی که دولت به پشتوانه آن مخارج مصرفی خود (از طریق استخدام‌ها و پرداخت حقوق و دستمزد و یا پرداخت یارانه و...) را گسترش داده و همچنین جنگ هشت ساله ایران و عراق با ناپایداری

1 North, D

مالی رو به رو شده است. در سال‌های اخیر نیز به دلیل تحریم‌ها و در نتیجه کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی با ناپایداری در درآمدها رو به رو شده است. همچنین فقدان سیستم‌های مالیاتی کارآمد و فرار مالیاتی گسترده، پایداری درآمدهای دولت را با مشکلاتی مواجه کرده است. وجود درآمد و مخارج ناپایدار را می‌توان از جمله عوامل اثرگذار بر ناکام ماندن برنامه‌های توسعه میان و بلندمدت در ایران دانست، چراکه دولت نیز همانند بنگاه‌ها با محدودیت بودجه رو به رو است و بدون برخورداری از درآمد و مخارج پایدار نمی‌تواند به اهداف خود در برنامه‌های اقتصادی برسد.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که کیفیت نهادی چگونه بر پایداری مالی دولت‌ها اثر دارد و این اثرگذاری در کشورهای در حال توسعه نفتی و غیرنفتی چه تفاوتی با هم دارند. به همین منظور در بخش دوم مقاله به مبانی نظری و در بخش سوم به بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌پردازیم. بخش چهارم به معرفی مدل و متغیرها و روش آزمون اختصاص یافته است. در بخش پنجم به تجزیه و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت و در بخش ششم مقاله با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات صورت خواهد گرفت.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. نهادها

این تعریف که نهادها مجموعه‌ای از قوانین حاکم بر فعالیت عوامل اقتصادی هستند از جریان‌های مختلف اقتصاد نهادی جدید که رویکرد آن به نورث برمی‌گردد، نشأت می‌گیرد. نورث (۱۹۹۰) بر نقش نهادها در کاهش عدم اطمینان از طریق ایجاد ساختاری پایدار برای تعامل انسانی تاکید می‌کند. طبق نظر نورث، نهادها، محدودیت‌هایی هستند که توسط انسان ابداع شده‌اند و تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ساختار می‌دهند و به صورت قواعد رسمی و غیررسمی تعریف می‌شوند. قواعد رسمی ممکن است ماهیت سیاسی (ماهیت نظام سیاسی) و اقتصادی (حقوق مالکیت) داشته باشند؛ مانند قوانین قراردادی یا قانونی، قوانین عادی و مقررات و قوانین غیررسمی مانند قراردادهای فرهنگی،

هنجارهای رفتاری ... از نظر نورث، وجود نهادهای مختلف، برآیند اقتصادی جامعه را تعیین می‌کند. از این رو، به عقیده ناک و کیفر^۱ (1995) در زمان تدوین سیاست، شرایط نهادی خاص باید در نظر گرفته شود؛ زیرا در شرایطی که کیفیت نهادی و حاکمیت قانون ضعیف و حقوق مالکیت ناامن است، یک خط‌مشی خوب شکست خواهد خورد و قادر به رسیدن به اهداف خود نخواهد بود (Singh & Pradhan, 2020).

از نظر نورث، کیفیت نهادی، طرز عمل نهادها در زمینه خلق رشد اقتصادی است (مومنی و صمدیان، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، کیفیت نهادی به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های نهادها (فرهنگی، نظارتی و سازمانی) تعریف می‌شود که بر عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد و انجام مأموریت‌هایی را که برای آنها ایجاد شده‌اند، مشروط می‌کند. شاخص کیفیت نهادی یک شاخص ترکیبی است. این شاخص شامل شش شاخص کنترل فساد، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، پاسخگویی و اثرگذاری دولت است (Mobarak, et al, 2012).

۲-۲. پایداری مالی

شیک^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه خود در مورد پایداری مالی عمومی، پایداری مالی را به چهار بُعد که به هم مرتبط هستند، تقسیم می‌کند: پرداخت بدهی، رشد، ثبات و انصاف. «پرداخت بدهی» توانایی دولت برای پرداخت تعهدات مالی خود است. «رشد» نشان‌دهنده میزان حمایت سیاست مالی از رشد اقتصادی است. «ثبات» ظرفیت دولت برای انجام تعهدات آتی خود با بار مالیاتی فعلی است. «انصاف» به عنوان ظرفیت دولت برای پرداخت تعهدات جاری خود بدون انتقال هزینه‌های آن به نسل‌های آینده تلقی می‌شود (Boston, 2021).

تانر^۳ (۲۰۱۳) یک سیاست مالی پایدار را سیاستی می‌داند که -اگر به طور نامحدود و بدون تغییر ادامه یابد- دولت را در بلندمدت در تعهدات مالی خود توانا نگه

1 Knock, S. & Kiefer, P.

2 Schick, A.

3 Tanner, A.

می‌دارد (Beecroft, et al, 2018). همچنین از نظر کرجدل^۱ (۲۰۰۶) پایداری مالی توانایی بلندمدت دولت برای انجام تعهدات مخارج خود با منابع موجود بدون تغییر الگوی درآمد و مخارج در طول زمان است و سیاست‌های مالی پایدار با تضمین کاهش کسری در اقتصاد به پایداری مالی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر اگر ارزش حال مازاد بودجه‌های آتی دولت معادل بدهی فعلی دولت باشد؛ سیاست مالی پایدار است (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به تعاریف مختلف پایداری مالی در این پژوهش تعریف کرجدل (۲۰۰۶) به دلیل جامع بودن مبنا قرار خواهد گرفت.

۲-۳. نهادها و پایداری مالی

سیاست‌گذاران در سال‌های اخیر به دنبال بررسی این موضوع بوده‌اند که آیا دولت‌ها می‌توانند نهادهای خاصی را برای ارتقای پایداری مالی ایجاد کنند؟ نهادهای سیاسی و نهادهای مالی معمولاً برای ارتقای پایداری مالی دولت‌ها اتخاذ می‌شوند (Besley & Case, 2003).

تضاد منافع و ناهمگونی در میان سیاستمداران باعث کسری بودجه مداوم که حاکی از ناپایداری مالی است، می‌شود. نظریه کسری‌های مالی ناشی از ملاحظات سیاسی، دستکاری سیاست‌گذاران در مخارج دولت را برای انتخاب مجدد برجسته می‌کند (Albuquerque, 2011). این نظریه، استدلال می‌کند که ممکن است کسری‌ها -نه تنها در دوره انتخابات یا در طول ماندن رئیس‌جمهور فعلی در قدرت- در نتیجه تلاش‌های رئیس‌جمهور برای دستکاری نتایج انتخابات با استفاده از سیاست‌های مالی ایجاد شود، بلکه دولت‌هایی که در انتظار جایگزینی با حزب سیاسی دیگری در آینده هستند نیز کسری‌های بیش از حد دارند (Bergman, 2016). همچنین سیاست مالی توسط دولت‌های خیرخواه انجام نمی‌شود، بلکه توسط مدیرانی با انگیزه سیاسی انجام می‌شود که لزوماً ترجیحات مشابهی با اولویت‌های اکثریت جامعه ندارند.

1 Krejdl, A.

طبق گفته فتاس^۱ و میهوف^۲ (۲۰۰۳)، این جزء سیاست مالی که آلبوکرکی^۳ (۲۰۱۱) آن را سیاست مالی اختیاری می‌نامند، ممکن است فقط نشان‌دهنده بی‌کفایتی، حرص و طمع سیاستمداران و چرخه‌های انتخاباتی و حزبی فرصت‌طلبانه باشد. نهادها با کیفیت بالاتر می‌توانند به کاهش رفتار رانت‌جویی، کاهش فساد و کاهش پدیده نفرین مالی - که در آن بخش مالی فراتر از اندازه مفید رشد می‌کند و شروع به آسیب رساندن به اقتصاد میزبان می‌کند - کمک کنند (Siyakiya, 2017). در واقع کیفیت نهادی برتر می‌تواند باعث افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های غیرضروری یک دولت شود (Sevüktekin, et al, 2010).

پایداری مالی که سیاست مالی محافظه‌کارانه و حفظ ذخایر ارز خارجی را می‌طلبد، یک مسئله جدی در کشورهای صادرکننده نفت است؛ به این معنی که دولت نمی‌تواند بدون درآمدهای حاصل از نفت وضعیت مالی خود را حفظ کند. کاهش قیمت نفت خام، اتمام ذخایر نفتی، منسوخ شدن استفاده از نفت یا تحریم نفتی می‌تواند موجب ناپایداری مالی در کشورهای صادرکننده نفت شود. بی‌ثباتی قیمت نفت به بی‌ثباتی متناظری در جریان وجوه نقد منجر می‌شود. وابستگی سمت درآمدهای بودجه به بخش نفت، مالیه عمومی را نسبت به یک متغیر بی‌ثبات و خارجی، آسیب‌پذیر می‌کند. به عبارت دیگر، بخش اعظمی از مالیه عمومی خارج از کنترل سیاست‌گذاران است و این می‌تواند به ناپایداری مالی در کشورهای نفتی بینجامد.

یک عامل سیاستی کلیدی که در ایجاد بی‌ثباتی مالی در اکثر کشورهای تولیدکننده نفت نقش داشته، ادواری بودن مخارج است که تکانه‌های مالی انقباضی و انبساطی ناشی از نوسانات درآمدهای نفت نشان‌دهنده آن است. بنابراین، وقتی دولت‌ها قادر به ایجاد مازادهای مالی در طول دوره‌های قیمت نفت بالا نباشد، مازادهای مالی که به بودجه آنها امکان مقاومت در برابر تکانه‌های نفتی نامطلوب را بدون ایجاد کسری می‌دهد،

1 Fat's, A.

2 Mihov, I.

3 Albuquerque, B.

نگرانی‌هایی درباره پایداری مالی به وجود می‌آورد و سیاست مالی، بی‌ثباتی را به تمام بدنه اقتصاد انتقال می‌دهد.

بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت برای حفظ مخارج به صورت باثبات با مشکلات سیاسی مواجه شده‌اند. دولت‌ها تحت فشارهای سیاسی مداوم هستند که درآمدهای بالاتر ناشی از افزایش قیمت نفت را هزینه کنند. علاوه بر این، در کشورهایی که با محدودیت‌های تامین مالی مواجه هستند، افزایش مخارج معمولاً همراه با تعدیل‌های مالی زیانباری در دوره سقوط قیمت نفت وجود دارد. از این رو، برخی کشورهای تولیدکننده نفت محدودیت‌های رسمی بیشتری بر سیاست مالی به شکل قوانین مالی ایجاد کردند که به مصون نگه داشتن سیاست مالی از فشارهای سیاسی کمک می‌کند (شاهین جواد، ۱۳۸۹).

برای دستیابی به پایداری مالی، بسیاری از کشورها شکلی از قوانین مالی یا ترکیبی از قوانین مالی را اتخاذ کرده‌اند (Bergman, et al, 2016). نهادهای مالی را به عنوان مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی می‌توان معرفی کرد که بر فرآیند تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های عمومی و درآمدهای یک کشور حاکمند و اختیارات و کنترل را بر امور مالی عمومی توزیع می‌کنند؛ یعنی تعیین می‌کنند چه کسی چه کاری را در چه زمانی در فرآیند تصمیم‌گیری انجام می‌دهد و جریان اطلاعات را بین بازیگران مربوطه هدایت می‌کنند (Alesina & Perotti, 1996). به عبارت دیگر، قواعد مالی عموماً توافقی‌های قانونی هستند که به منظور کاهش «سوگیری کسری بودجه» و ارتقای انضباط مالی با «بستن دستان» سیاست‌گذاران به منظور محدود کردن تصمیم‌گیری‌ها در مورد برنامه‌های هزینه و درآمد انجام می‌شوند (Bergman, 2016).

اعمال این قوانین و محدودیت‌ها بر رفتار مالی دولت، مدافعان و مخالفانی دارد. مدافعان استفاده از اقدامات اختیاری در سیاست‌های مالی بدون محدودیت، استدلال می‌کنند که هر نوع محدودیتی که توانایی محدود کردن مداخله مقامات در اقتصاد را داشته باشد، دامنه چرخه‌های تجاری را تشدید می‌کند، زیرا آنها تمایل به تولید سیاست‌های مالی بیشتر چرخه‌ای دارند. در این راستا، کنترل‌های مالی نه تنها دامنه سیاست‌های عمومی اختیاری

را محدود می‌کند، بلکه اثربخشی تثبیت‌کننده‌های مالی خودکار را نیز محدود می‌کند. در طول رکود، اگر یک قانون بودجه متوازن یا هر نوع قانون دیگری که سقفی را برای تراز بودجه یا مخارج تعیین می‌کند، اجرا شود، تثبیت‌کننده‌های خودکار نمی‌توانند کار کنند. نتیجه کلی، واکنش ضعیف‌تر دولت‌ها به شوک‌های تولیدی خواهد بود (Albuquerque, 2011). این در حالی است که اقتصاددانان زیادی مانند فتاس^۱ و میهوف^۲ (۲۰۰۳) وجود دارند که تاکید می‌کنند سیاستمداران نمی‌توانند سیاست مالی را با اراده آزاد خود انجام دهند؛ زیرا سیاست مالی می‌تواند منبع بی‌ثباتی اقتصاد کلان باشد، حتی اگر ابزاری قدرتمند برای گسترش نرخ رشد اقتصادی باشد و تنها با اعمال محدودیت‌های شدید بر دولت‌ها -چه در قالب محدودیت‌های آشکار یا ضمنی- می‌توان احتمال اینکه سیاست مالی، خود منبع بی‌ثباتی اقتصادی باشد را حذف یا حداقل کاهش داد (Albuquerque, 2011).

حکمرانی خوب می‌تواند به کشورها کمک کند تا با کاهش هزینه‌های استقراض، مهار ریسک مالی و توسعه بازار بدهی داخلی خود، بدهی عمومی خود را به طور موثر مدیریت کنند. همچنین می‌تواند حفظ ثبات مالی را تسهیل کرده و به آن‌ها در توسعه سیستم مالی داخلی خود کمک کند (Tarek & Ahmad, 2017). کافمن^۳ و همکاران (۲۰۱۰) حکمرانی را به عنوان «سنت‌ها و نهادهایی که اقتدار در یک کشور توسط آن‌ها اعمال می‌شود» تعریف می‌کنند و شش شاخص حکمرانی جهانی را معرفی کردند. براساس این تعریف، حکمرانی سه نوع حوزه را پوشش می‌دهد: الف- فرآیندهایی که طی آن‌ها دولت‌ها انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند، ب- ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای موثر سیاست‌های صحیح و ج- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعامل اقتصادی و اجتماعی بین آن‌ها را اداره می‌کنند. فساد و ضعف حاکمیت قانون، هزینه‌های عمومی را تحریف می‌کند و منجر به تخصیص کمتر از حد بهینه هزینه‌های دولت می‌شود (Mauro, 1996; Wei & Zeckhauser, 1999; Tnazi & Davoodi, 2002).

1 Fat's, A.

2 Mihov, I.

3 Kaufman, D. et al.

کافمن (۲۰۱۰) بیان می‌کند برای به حداکثر رساندن فعالیت‌های رانت‌جویانه، مقامات دولتی می‌توانند بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری‌های بزرگ با هزینه فعالیت‌های پرزحمت گرایش پیدا کنند. بنابراین، اگر دولتی هزینه‌های خود را با افزایش بدهی خود تامین مالی کند؛ در صورت فساد، این امر به معنای نیاز دوباره به موجودی بدهی بیشتر است که خود منجر به هزینه‌های بالاتر برای پرداخت آن بدهی می‌شود. بنابراین، واضح است که فساد با کاهش درآمدهای عمومی و همزمان افزایش هزینه‌های عمومی، منجر به کسری مالی و ناپایداری مالی می‌شود (Tarek & Ahmad, 2017).

اقتصاددانان اغلب حکومت‌داری ضعیف و به ویژه فقدان حاکمیت قانون را منبع اقتصاد سایه می‌دانند. فریدمن^۱ و همکاران (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که افزایش فعالیت‌های غیررسمی با کاهش درآمدهای مالیاتی می‌تواند پایداری مالی دولت‌ها را تضعیف کند. کافمن (۲۰۱۰) خاطر نشان می‌کند که احترام به حاکمیت قانون می‌تواند منجر به فرآیندهای عادلانه‌تر برای انتخاب و جایگزینی دولت‌ها و سوءاستفاده کمتر از مناصب عمومی برای بخش خصوصی شود.

علاوه بر نهادهای بیان شده، نهادهای سیاسی نیز اهمیت می‌یابند. نهادهای سیاسی از یک طرف، می‌توانند با میانجی‌گری در تعارضات به اجرای قوانین کمک کنند و از طرف دیگر، ابزاری هستند که سیاستمداران از طریق آنها منافع خود را دنبال می‌کنند (Moe, 2014). برای دستیابی به تعادل مالی، هماهنگی بین نهادهای حکومتی، سیاست‌گذاران اقتصادی و مشارکت شهروندان ضروری است.

رژیم دموکراسی، رژیمی مبتنی بر رقابت است برای انتخاب نماینده از یک یا چند حزب به صورت آزاد و قانون‌مند (رسول عادل زاده، ۱۳۷۸).

به گفته نوردهاوس^۲ (۱۹۷۵) و روگوف و سیرت^۳ (۱۹۸۸)، چرخه انتخاباتی فرصت طلب زمانی به وجود می‌آید که سیاستمداران در قدرت، سیاست مالی انبساطی را در مواقعی که لازم نیست - به منظور به حداکثر رساندن شانس خود برای انتخاب مجدد -

1 Friedman, E.

2 Nordhaus, W.

3 Rogoff, K. & Sibert, A.

اجرا می کنند (Albuquerque, 2011). انگیزه این رفتار، توهّم مالی رای دهندگان است که شهروندان را فریب می دهد تا از مزایای کوتاه مدتی که می توانند از مالیات های پایین تر و هزینه های عمومی بیشتر به دست آورند، امتیاز بگیرند.

ماتسوسکا^۱ (۱۹۹۵) بیان می کند وجود دموکراسی در یک جامعه با هزینه های کمتر برای آن جامعه، اما نه لزوماً با درآمدهای کمتر همراه است که می تواند به پایداری مالی در آن جامعه منجر شود. با استفاده از شیوه هایی از دموکراسی مانند دموکراسی مستقیم که به شهروندان اجازه می دهد قوانین خاصی را خود پیشنهاد و به آن رای دهند؛ می توان قوانینی را تصویب کرد که به پایداری مالی کمک خواهد کرد. بنابراین شیوه هایی از دموکراسی در موارد محدودی می تواند در ارتقا پایداری مالی موثر باشد (Rose, 2010). محدود کردن قدرت تصدی سیاستمداران نیز باعث کندی رشد هزینه ها از طریق کانال های مختلف می شود؛ ۱- برخی معتقدند حذف دورنمای انتخاب مجدد انگیزه قانون گذاران را برای تضمین پروژه هایی به نفع خود یا رای دهندگانشان کاهش می دهد. ۲- محدودیت های دوره زمانی، سیاستمدارانی که علاقه مند به منافع شخصی هستند را از نامزدی برای انتخابات منصرف می کند و انتخاب شهروندان، قانون گذارانی که سیاست هایی را دنبال می کنند که منعکس کننده اراده عمومی است، تسهیل می کند. ۳- محدودیت های دوره ای باعث حذف قانون گذاران پایدار که در طول زمان در برابر فشار گروه های ذی نفع و یا با رشوه دادن در دولت نفوذ می کنند، خواهد شد. ۴- محدودیت های دوره ممکن است دامنه ورود به سیستم را کاهش دهد، زیرا برای قانون گذاران زمان می برد تا شهرت پیدا کرده و ائتلاف های پایدار ایجاد کنند (Rose, 2010). این در حالی است که سیاستمدارانی که سال ها در این مقام خدمت می کنند، سرمایه نام تجاری را به دست می آورند که از آن ها در برابر رقبا محافظت می کند و در نتیجه آن ها را از ترجیحات رای دهندگان محافظت می کند.

یک نکته مهم این است که طول محدودیت بالقوه اثرات مهمی دارد، زیرا هزینه ها تحت محدودیت های یک دوره ای بیشتر از محدودیت دو دوره ای است. به طور کلی،

1 Matsowska, J.

محدودیت‌های دوره در ارتقای پایداری مالی موثر است، اما طول دوره این محدودیت‌ها در میزان اثرگذاری این نهاد سیاسی تعیین‌کننده است (Rose, 2010).

به طور کلی، با وجود اختلاف‌نظرها در مورد اثرگذاری نهادهای سیاسی و مالی بر ارتقای پایداری مالی، تاثیر وجود نهادهای کارآمد بر پایداری مالی را نمی‌توان رد کرد، زیرا همان‌طور که بیان شد نهادها می‌توانند با ایجاد محدودیت‌های مختلف برای دولت و کنترل مخارج و درآمدهای او پایداری مالی را بهبود ببخشند. از آنجایی که میزان اثرگذاری نهادها متفاوت است باید محدودیت‌هایی با بیشترین اثرگذاری را اعمال کرد.

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. پژوهش‌های داخلی

اصلاحی و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی ایستا به روش اثرات تصادفی و الگوی داده‌های پانلی پویا (GMM)^۱ در کشورهای منتخب با درآمد متوسط رابطه شاخص کیفیت حکمرانی خوب و درآمدهای مالیاتی را در دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ بررسی کردند. نتایج به دست آمده از هر دو تخمین پویا و ایستا، رابطه مثبتی را بین شاخص حکمرانی خوب و درآمدهای مالیاتی نشان داد.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۷) اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر کسری بودجه را در منطقه منای سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ با استفاده از تکنیک پانل دیتا و روش GLS^۲ مورد بررسی قرار دادند. با توجه به نتایج به دست آمده، شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون، اثر مثبت و معنی‌دار و شاخص‌های ثبات سیاسی، کیفیت مقررات و کنترل فساد، اثر مثبت و غیرمعنی‌داری بر کسری بودجه در کشورهای منتخب منا داشتند.

ایزدخواستی و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی تاثیر همزمان کیفیت نهادی و فرار مالیاتی بر عملکرد نظام مالیاتی کشورهای منتخب منا با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش کارایی و پاسخگویی دولت زمینه

1 Generalized Method of Moments

2 Generalized Least Squares

مشارکت بیشتر عموم مردم در تامین مالی هزینه‌های دولت را فراهم می‌کند و باعث می‌شود تا ضمن کاهش فرار مالیاتی درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش یابد.

۲-۳. پژوهش‌های خارجی

آگنلو و سوسا^۱ (۲۰۰۹) منابع سیاسی، نهادی و اقتصادی نوسانات کسری بودجه عمومی را برای ۱۲۵ کشور طی در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ با استفاده از تخمین گر سیستم GMM مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که نوسانات کسری بودجه بالاتر معمولاً با سطوح بالاتری از بی‌ثباتی سیاسی و دموکراسی کمتر همراه است. علاوه بر این، نوسانات کسری بودجه در کشورهای کوچک در نتیجه تورم‌های بالا و درجه باز بودن بالای اقتصاد افزایش می‌یابد.

آلبوکرکی (۲۰۱۱) شواهد تجربی برای تاثیر منفی قابل توجه و معنی دار آماری کیفیت نهادهای مالی بر نوسانات مخارج عمومی برای مجموعه‌ای متشکل از ۲۵ کشور اتحادیه اروپا در دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۰ ارائه می‌کند. متغیر وابسته، نوسانات سیاست مالی اختیاری است که نشان دهنده واکنش به تغییرات شرایط اقتصادی نیست و ممکن است فقط منعکس کننده ترجیحات سیاسی برونزا باشد. بنابراین، نتایج از تقویت نهادها برای مقابله با سطوح بیش از حد نوسانات اختیاری حمایت می‌کند. این رابطه بیشتر بر این واقعیت استوار است که کشورهایی که نهادهای قوی‌تری دارند، تغییر سیاست مالی را برای دولت‌ها مشکل‌تر می‌کنند. نتایج ما تایید می‌کند که کشورهای بزرگ‌تر، نوسان مخارج عمومی کمتری دارند؛ در حالی که عملکرد تثبیت کننده‌ای که دولت‌های بزرگ‌تر اعمال می‌کنند، به کاهش نوسانات سیاست‌های اختیاری کمک می‌کند.

اسلام^۲ و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی عوامل اقتصادی و نهادی اثرگذار بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای D8 طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ با استفاده از تکنیک GMM به این نتیجه رسیده‌اند که نوسانات بالای کسری بودجه با ساختار نهادی ضعیف همراه است. نتایج نشان داده‌اند که کسری بودجه بزرگ، نرخ تورم و باز بودن تجارت به

1 Agnello, L. & Sousa, R.

2 Islam, K.

طور موثر بر نوسانات کسری اثر می‌گذارند. همچنین مشخص شد که تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی یک عامل تعیین‌کننده ناچیز برای بی‌ثباتی کسری بودجه است. در نهایت، نرخ رشد جمعیت، اثر منفی قابل توجهی بر نوسانات کسری بودجه دارد که به این معنی است که کشورها با رشد جمعیت کمتر دارای نوسانات بیشتری در کسری بودجه هستند. بر اساس یافته‌ها، این مطالعه نشان می‌دهد که با ایجاد بهبود در کیفیت نهادی و اجرای انضباط مالی، کشورهای D8 می‌توانند نوسانات کسری بودجه را تثبیت کنند.

نگوین^۱ و همکاران (۲۰۱۷) تاثیر کیفیت نهادی را بر اجرای سیاست‌های مالی در کشورهای آسیا و اقیانوسیه در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش داده‌های پانل و مدل اثرات ثابت و تصادفی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که کیفیت نهادی بهتر باعث کاهش نرخ رشد هزینه‌های دولت می‌شود.

عارف و حسین^۲ (۲۰۱۸) به بررسی عوامل تعیین‌کننده نوسانات کسری بودجه در کشورهای آسیای جنوبی و کشورهای عضو اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا در دوره ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۶ با استفاده از داده‌های پانل پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد فساد و بی‌ثباتی سیاسی از جمله عوامل موثر بر نوسانات کسری بودجه هستند.

بیکرافت و همکاران^۳ (۲۰۱۸) میزان تاثیر نهادها بر توانایی پایداری مالی دولت‌ها در ۱۵ کشور آفریقای غربی را در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ بررسی کردند. پنج معیار کیفیت نهادی شامل اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی و کنترل فساد با استفاده از برآوردگر FGLS^۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاکی از آن است که از بین معیارهای کیفیت نهادی، کیفیت نظارتی مهم‌ترین نقش را در دستیابی به پایداری مالی در غرب آفریقا دارد.

ماشینجیک^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله خود اهمیت قوانین مالی و نهادهای مالی را با هدف دستیابی به پایداری و رشد مالی در زیمبابوه بررسی کردند. این مطالعه برای تقویت

1 Nguyen, C. et al.

2 Arif, A. & Hussain, M.

3 Beecroft, I. et al.

4 Feasible Generalized Least Squares

5 Machinjike, A.

استدلال‌های خود برای استخراج سیاست، تجربیات بریتانیا، استرالیا، ژاپن، نیوزیلند، کانادا، شیلی، سوئد، بوتسوانا، کیپ ورد، مالزی و موریس را بررسی کرده است. کشورهای منتخب با استفاده از قوانین مالی با سیاست‌های مالی صحیح به پایداری و رشد مالی دست یافته‌اند. قوانین مالی در قالب قوانین تراز کلی بودجه، قوانین تراز اولیه، قوانین بدهی و سقف مخارج کلیدی در دستیابی به پایداری مالی و رشد کلی اقتصادی تاثیر گذار هستند. این مطالعه توصیه کرده که زیمبابوه باید یک قانون مالی برای دستیابی به ثبات و رشد مالی اتخاذ کند. این مطالعه همچنین پیشنهاد کرد که باید قانونی برای اطمینان از اجرای موفق و موثر قانون مالی وضع شود.

کاهیادین و همکاران^۱ (۲۰۲۲) با استفاده از داده‌های پانل ۱۰۶ کشور در حال توسعه و ۳۶ کشور توسعه یافته طی دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸ با استفاده از رگرسیون آستانه پانل به دنبال یافتن آستانه بدهی عمومی و کسری بودجه برای حفظ پایداری مالی با در نظر گرفتن کیفیت نهادی بودند. سه عامل نهادی کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد به طور قابل توجهی در برآورد آستانه نقش دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بالاترین سطح آستانه نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی ۵۹/۵۶ درصد برای کشورهای توسعه یافته و ۶۴/۸۷ درصد برای کشورهای در حال توسعه بود. بالاترین سطح آستانه نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی ۰/۴۱ درصد برای کشورهای توسعه یافته و ۳/۳۴ درصد برای کشورهای در حال توسعه بود. آن‌ها دریافتند کیفیت نهادی نیز می‌تواند بر این سطح آستانه موثر باشد.

لی و همکاران^۲ (۲۰۲۳) تاثیر آستانه کیفیت نهادی بر پایداری بدهی در پانلی متشکل از ۸۲ کشور با سه سطح درآمدی بالا، متوسط و پایین، اثرات آستانه‌ای مختلف در سطوح مختلف درآمد را با استفاده مدل رگرسیون پانل آستانه بررسی کرده‌اند. وجود اثر آستانه بین کیفیت نهادی و پایداری بدهی در این کشورها تایید شد؛ به طوری که در کشورهای با درآمد بالا اگر کیفیت نهادی از حد آستانه فراتر رود، پایداری بدهی ضعیف می‌شود.

1 Cahyadin, M. et al.

2 Lee, C.

پایداری بدهی دولت در کشورهای با درآمد متوسط نیز مانند کشورهای با درآمد بالا است، اما در کشورهای با درآمد پایین، دولت‌ها می‌توانند پایداری بدهی را ترویج کنند؛ اگر کیفیت نهادی آن‌ها از مقدار آستانه فراتر رود.

کیز^۱ (۲۰۲۴) با استفاده از رگرسیون اثرات ثابت به بررسی تاثیر شاخص‌های نهادی (مانند فساد، کارایی دولت در مدیریت اقتصادی، ثبات سیاسی، کارایی مقررات و کارایی سیستم حقوقی) بر سیاست‌های مالی (نرخ مالیات و هزینه‌های دولت) کشورهای عضو OECD طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در سیاست، ناکارآمدی در دولت و فساد به طور قابل توجهی درآمد مالیاتی را کاهش می‌دهند. با این حال، ثبات سیاسی و فساد تاثیر منفی بر هزینه‌های دولت دارند. یافته‌ها بر اهمیت در نظر گرفتن ثبات سیاسی و فساد هنگام تجزیه و تحلیل رفتارهای مربوط به هزینه‌های دولت و مالیات تاکید می‌کنند.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از ایران، کیفیت نهادها را می‌توان به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر ساختار مالی دولت‌ها در اکثر کشورها به شمار آورد که با بهبود سیستم مالیاتی، کاهش کسری بودجه و کاهش بدهی‌های دولت، عملکرد اقتصادی را در بسیاری از کشورها بهبود می‌بخشد. حال ما در این پژوهش می‌خواهیم به بررسی اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت و مقایسه اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت در کشورهای در حال توسعه نفتی و غیرنفتی بپردازیم که در پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است.

۴. روش^۲

۴-۱. معرفی مدل

مدل این تحقیق با بهره‌گیری از مدل آگنلو و سوزا^۳ (۲۰۰۹) به بررسی کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت در ۱۱ کشور در حال توسعه نفتی شامل آنگولا، اکوادور، اندونزی،

1 Keyes, M.

2. Method

3 Agnello, L. & Sousa, R.

عراق، ایران، امارات متحده عربی، مکزیک، کلمبیا، مصر، قطر و بحرین و ۱۶ کشور در حال توسعه غیرنفتی شامل بلغارستان، ترکیه، تایلند، فیلیپین، ارمنستان، مجارستان، لهستان، اوکراین، رومانی، صربستان، چک، آلبانی، اسلوانی، اسلواکی، آفریقای جنوبی و استونی پرداخته است.^۱ دوره زمانی مورد بررسی این پژوهش ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ بوده. مدل مورد بررسی در دو گروه از کشورها به صورت رابطه‌های (۱) و (۲) است.

مدل کشورهای در حال توسعه نفتی

$$\begin{aligned} \text{Deficit}_{it} = & \beta_{0it} + \beta_{1it}\text{OIL} + \beta_{2it}\text{CPI} + \beta_{3it}\text{POPrate} \\ & + \beta_{4it}\text{GDP} + \beta_{5it}\text{RL} + \beta_{6it}\text{CCOR} + \beta_{7it}\text{RQ} \\ & + u_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

$$i = 1, \dots, N \quad t = 1, \dots, T_i$$

مدل کشورهای در حال توسعه غیر نفتی

$$\begin{aligned} \text{Deficit}_{it} = & \alpha_{0it} + \alpha_{1it}\text{CPI} + \alpha_{2it}\text{POPrate} + \alpha_{3it}\text{GDP} \\ & + \alpha_{4it}\text{RL} + \alpha_{5it}\text{CCOR} + \alpha_{6it}\text{RQ} + u_{it} \end{aligned} \quad (2)$$

$$i = 1, \dots, N \quad t = 1, \dots, T_i$$

در روابط (۱) و (۲)، Deficit نوسانات کسری بودجه، OIL نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی، CPI نوسانات قیمت، POPrate نرخ رشد جمعیت، GDP تولید ناخالص داخلی سرانه، RL حاکمیت قانون، CCOR کنترل فساد، RQ کیفیت نظارتی و u جزء اخلال است که در ادامه متغیرها با تشریح بیشتری معرفی می‌شود. پس از تخمین مدل، نتایج دو مدل را با استفاده از آزمون Z با هم مقایسه خواهیم کرد.

۱ ملاک انتخاب این کشورها در دسترس بودن داده‌ها برای آنها بوده است.

۴-۲. معرفی متغیرها

تعریف متغیرها، نحوه محاسبه و منبع آن‌ها به شرح جدول (۱) است که در ادامه توضیح مبسوط‌تر آن‌ها نیز آورده شده است.

جدول ۱: معرفی متغیرها

متغیرها	معادل فارسی	نحوه محاسبه	منبع داده‌ها
Deficit	نوسانات کسری بودجه	برای استخراج پایداری مالی، پایداری کسری بودجه را با استفاده از فیلتر هودریک پرسکات ^۱ استخراج کرده‌ایم.	داده‌های سایت IMF
OIL	نسبت درآمد نفتی اسمی به تولید ناخالص داخلی اسمی	---	داده‌های سایت WDI
CPI	نوسانات قیمت	با استفاده از فیلتر هودریک پرسکات نوسانات قیمت محاسبه شده است.	داده‌های سایت WDI
POPRate	نرخ رشد جمعیت	---	داده‌های سایت WDI
GDP	تولید ناخالص داخلی سرانه	---	داده‌های سایت WDI
RL	حاکمیت قانون	---	داده‌های سایت WDI
CCOR	کنترل فساد	---	داده‌های سایت WDI
RQ	کیفیت نظارتی	---	داده‌های سایت WDI

* نوسانات کسری بودجه: یکی از نشانه‌های ناپایداری مالی در یک جامعه، کسری بودجه و نوسانات آن است که در این پژوهش به عنوان متغیر وابسته انتخاب شده است و به عنوان شاخصی برای سنجش پایداری یا عدم پایداری مالی در جوامع می‌توان از آن استفاده کرد (Agnello & Sousa, 2009). کسری بودجه حاصل تفاضل مخارج دولت از درآمدهای

¹ Hodrick-Prescott

دولت است و برای نشان دادن نوسانات آن از فیلتر هودریک پرسکات استفاده شده است که تفاوت کسری بودجه و کسری بودجه بالقوه دولت را نشان می‌دهد. نوسانات کسری بودجه به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری پایداری مالی استفاده شده است.

* نسبت درآمد نفتی به GDP: هر چه درآمدهای حاصل از صادرات نفت بیشتر باشد نوسانات کسری بودجه نیز افزایش می‌یابد. وابستگی کشورهای نفتی به درآمدهای بادآورده نفتی باعث شده که در زمان فراوانی این درآمدها، دولت مخارج خود را افزایش دهد، اما در زمان شوک‌های منفی ناشی از کاهش قیمت نفت، تمام شدن منابع نفتی و یا تحریم‌ها که به کاهش درآمدهای نفتی منجر می‌شود، امکان کاهش مخارج دولت وجود ندارد؛ زیرا مخارج چسبنده هستند (Combs, et al, 2006).

* کیفیت نهادی: به دلیل نبود داده‌های کافی برای نهادهای بودجه‌ای در دو دسته کشور مورد بررسی و با توجه به مطالعات انجام شده در گذشته از سه شاخص کنترل فساد، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون برای نشان دادن کیفیت نهادی استفاده می‌کنیم:

✓ کنترل فساد: طبق تعریف بانک جهانی، کنترل فساد، بیانگر درک میزان اعمال قدرت عمومی برای منافع خصوصی از جمله فساد کوچک و بزرگ و همچنین «تسخیر» دولت توسط نخبگان و منافع خصوصی است.

✓ حاکمیت قانون: حاکمیت قانون، یک آرمان سیاسی و حقوقی است که همه افراد و نهادها در یک کشور، ایالت یا جامعه در برابر قوانین یکسانی از جمله قانون‌گذاران، مقامات دولتی و قضات پاسخگو هستند (Hobson, 1996).

✓ کیفیت نظارتی: طبق تعریف بانک جهانی، کیفیت نظارتی بیانگر درک توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات درستی که اجازه و ارتقای توسعه بخش خصوصی را می‌دهد، است.

هر یک از سه شاخص کنترل فساد، حاکمیت قانون و کیفیت نظارتی در محدوده ۲- تا ۲ مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

نهادها از یک سو با ایجاد شفافیت نقش قابل توجه‌ای در محدود کردن توانایی دولت برای خرج کردن بیش از حد بازی می‌کنند. به عنوان مثال، شفافیت و جامعیت بودجه دو

عنصر موثر برای ارتقای انضباط مالی به حساب می‌آیند. علاوه بر این، موسسات با کیفیت بالا می‌توانند با توسعه بازارهای داخلی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، عملکرد مالی دولت‌ها را ارتقا دهند. پرسون^۱ دریافت که متغیرهای سیاسی و نهادی نیز بر رویکرد مالی دولت اثرگذار هستند. نهادهای با کیفیت می‌توانند با کاهش پدیده نفرین مالی - که در آن بخش مالی فراتر از اندازه مفید رشد می‌کند - منجر به کاهش رفتار رانت‌جویانه و فساد شوند (Lee, et al, 2023).

* نرخ رشد جمعیت: فورسری^۲ و ریبرو^۳ (۲۰۰۸) معتقدند که به دو دلیل یک رابطه منفی میان نرخ رشد جمعیت یک کشور و نوسانات کسری بودجه وجود دارد؛ اول، اندازه جمعیت یک کشور را می‌توان نوعی تضمین در برابر شوک‌های غیرمنتظره قلمداد کرد، زیرا هر چه رشد جمعیت بیشتر باشد در شرایط بحرانی نوسانات مخارج و به دنبال آن نوسانات کسری بودجه کاهش می‌یابد. دوم، توانایی دولت برای تقسیم هزینه‌های تامین مالی مخارج دولت روی مجموعه بزرگ‌تری از مالیات‌دهندگان ممکن است با افزایش بازده در مقیاس به دولت این اجازه را دهد که کالای عمومی را با روشی کم نوسان تولید کند.

* نوسانات قیمت: هر چه نوسانات قیمت در یک جامعه بیشتر باشد، نااطمینانی نیز بیشتر است و مخارج و درآمد دولت هر دو نوسانی هستند و برنامه‌ریزی مالی برای آینده دشوار است (Agnello & Sousa, 2009).

* تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی: نشان‌دهنده تفاوت توسعه‌یافتگی کشورهاست و از نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت به دست می‌آید (Agnello & Sousa, 2009). کشورها با سطح درآمد بالاتر، تنوع بیشتری در کسری بودجه خود دارند و این امر می‌تواند ناشی از پروژه‌های عمرانی باشد که در آن کشور انجام می‌شود، زیرا این پروژه‌ها به بودجه‌های بیشتری برای تامین مالی نیاز دارند (Arif, et al, 2018).

1 Person

2 Furceri, D.

3 Ribeiro, P.

تحقیق حاضر مدل ارائه شده در رابطه‌های (۱) و (۲) را یک بار برای کشورهای در حال توسعه نفتی و یک بار نیز برای کشورهای در حال توسعه غیرنفتی با استفاده از مدل داده‌های پانل و تکنیک PCSE^۱ و با به کارگیری نرم افزار استاتا ۱۷ تخمین می‌زند و نتایج دو مدل را با هم مقایسه خواهد کرد.

۴-۳. آماره‌های توصیفی

جدول (۲) و (۳) آماره‌های توصیفی متغیرها که شامل میانگین متغیرها (که نشان‌دهنده مرکزیت داده‌ها) و انحراف معیار (شامل پراکندگی داده‌ها و بیشترین و کمترین مقدار داده‌ها) است را نشان می‌دهند.

نمودار (۱) میانگین شاخص کنترل فساد در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی را نشان می‌دهد. مطابق این نمودار از میان کشورهای در حال توسعه غیرنفتی، آفریقای جنوبی بیشترین میزان کنترل فساد و اوکراین کمترین میزان کنترل فساد را در این دسته کشورها دارند.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی کشورهای در حال توسعه نفتی

نام متغیرها	میانگین	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
Deficit	-۲/۹۴۵	۴/۷۰۳	۱۰/۴۱۵	-۱۴/۶۷۹
OIL	۱۴/۶۷۰	۱۲/۷۲۵	۵۰/۹۲۶	۰/۲۸۷
CPI	۱۴۹/۲۳۶	۹۰/۰۸۳	۵۹۵/۰۷۹	۶۱/۰۵۸
POPrate	۲/۲۸۰	۱/۹۵۵	۱۱/۵۸۱	-۲/۷۶۶
GDP	۱۵۴۵۱/۴	۱۹۴۹۹/۰۲	۷۳۴۹۳/۲۷	۲۴۳۵/۰۲
RL	-۰/۴	۰/۷۴	۰/۹۷	-۱/۸۰
CCOR	۰/۱۵	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۱۲
RQ	۰/۲	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۱۶

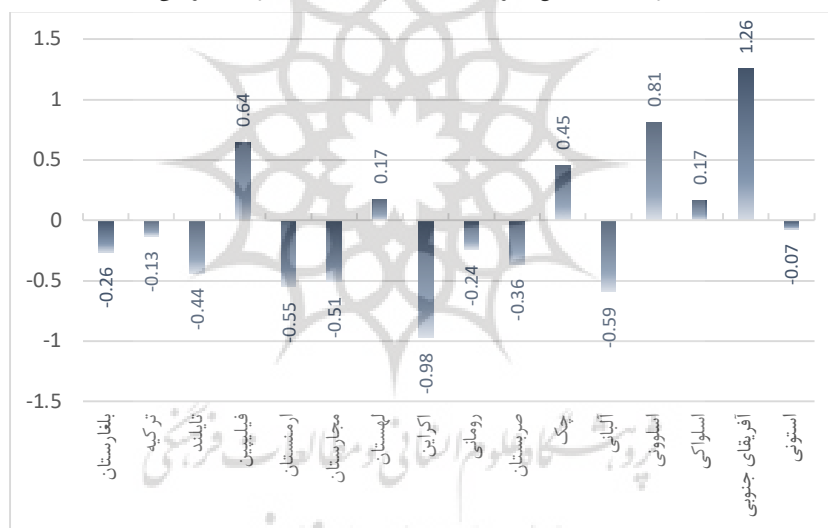
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. آماره‌های توصیفی کشورهای در حال توسعه غیرنفتی

نام متغیرها	میانگین	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
Deficit	۲/۵۶۴	۱/۷۶۶	۷/۳۱۸	-۲/۲۶۹
CPI	۱۲۱/۳۱۵	۳۰/۷۶۵	۲۹۵/۶۴	۷۵/۴۴
POPrate	۰/۱۴	۰/۷۱	۲/۰۴۷	-۰/۷۵
GDP	۹۸۲۲/۳	۵۹۹۳/۹	۲۴۱۴۲/۰۹	۲۱۲۴/۶
RQ	۰/۱۹	۰/۰۱	۰/۲۳	۰/۱۵
CCOR	-۰/۳	۰/۵۸	۱/۵۸	-۱/۱۷
RL	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

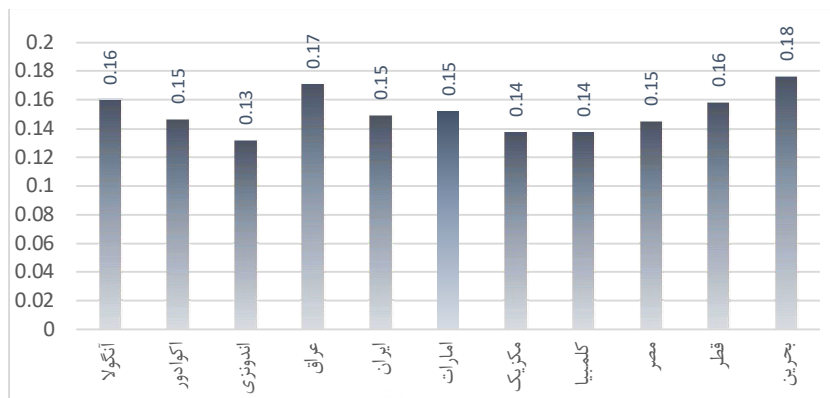
نمودار ۱. شاخص کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار (۲) میانگین شاخص کنترل فساد را در میان ۱۶ کشور در حال توسعه نفتی نشان می‌دهد. در این دسته کشورها، بحرین با میانگین کنترل فساد ۰/۱۸ بیشترین و اندونزی با میانگین ۰/۱۳ کمترین کنترل فساد را دارد.

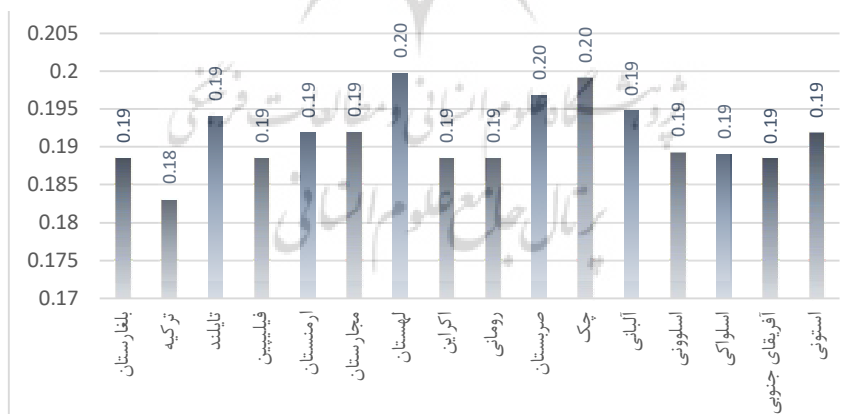
نمودار ۲. شاخص کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه نفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

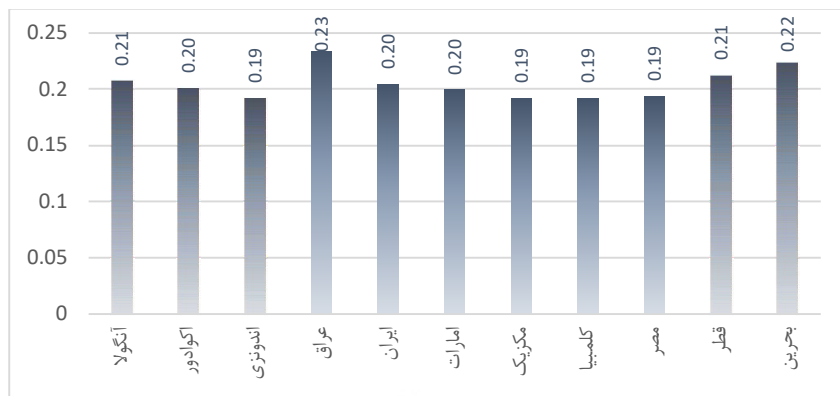
نمودار (۳) بررسی میانگین شاخص کیفیت نظارتی را در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی نشان می‌دهد که در لهستان کیفیت نظارتی بیشتری از بقیه کشورها وجود دارد و کمترین کیفیت نظارتی در کشور ترکیه وجود دارد. نمودار (۴) بیانگر این است که در میان کشورهای در حال توسعه نفتی، عراق و بحرین بیشترین کیفیت نظارتی را دارد و کمترین میزان کیفیت نظارتی مربوط در کشورهای اندونزی، مکزیک و کلمبیا است.

نمودار ۳. شاخص کیفیت نظارتی در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

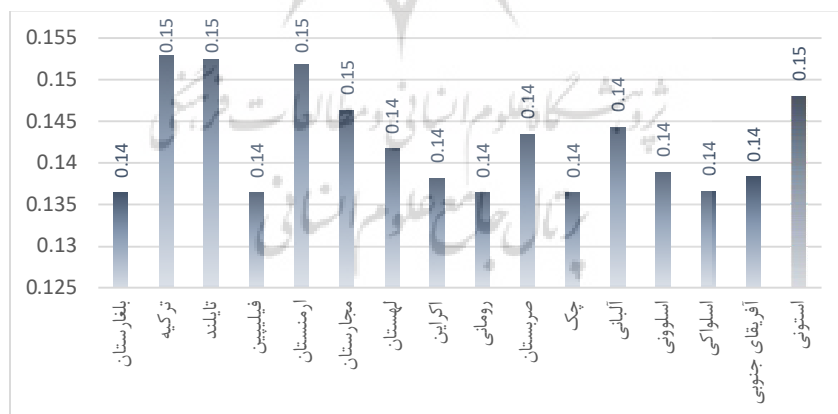
نمودار ۴. شاخص کیفیت نظارتی در کشورهای در حال توسعه نفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

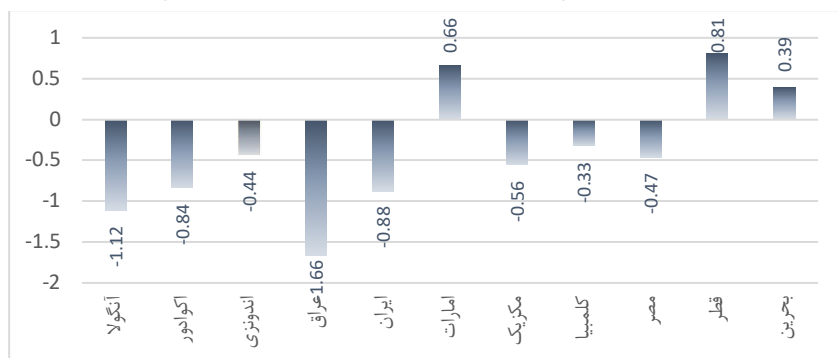
همانطور که در نمودار (۵) مشاهده می‌شود ترکیه در میان کشورهای در حال توسعه غیرنفتی با بیشترین میزان حاکمیت قانون است، اما کشورهای بلغارستان و جمهوری چک دارای کمترین میزان حاکمیت قانون هستند. نمودار (۶) نشان می‌دهد از میان کشورهای در حال توسعه نفتی، قطر بیشترین شاخص حاکمیت قانون دارد و در مقابل عراق کمترین میزان شاخص حاکمیت قانون را در میان کشورهای در حال توسعه نفتی دارد.

نمودار ۵. شاخص حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

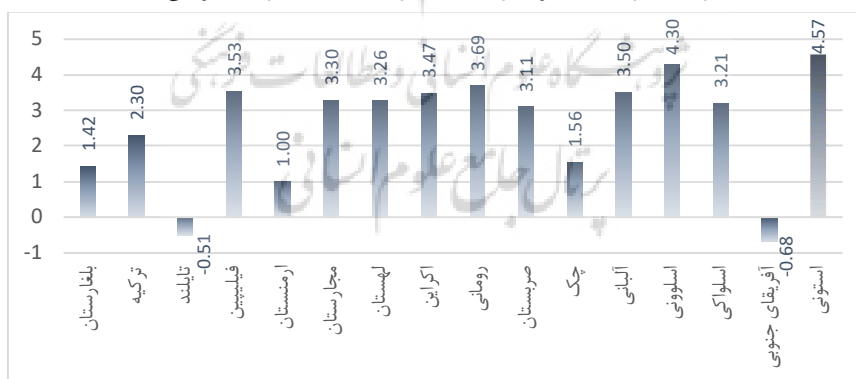
نمودار ۶. شاخص حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه نفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

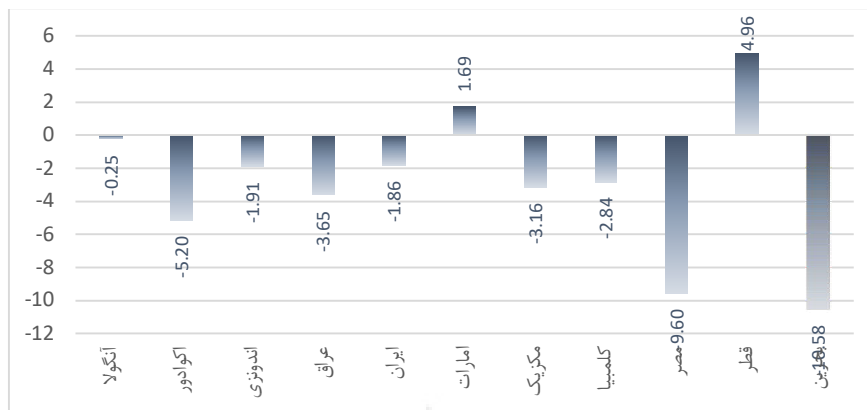
نمودار (۷) میانگین نوسانات کسری بودجه در ۱۱ کشور در حال توسعه غیرنفتی را نشان می‌دهد. با توجه به این نمودار و میانگین نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی (جدول (۳)) می‌توان استنباط کرد که نوسانات کسری بودجه در این کشورها نسبت به کشورهای در حال توسعه نفتی پایدارتر است. نمودار (۸) میانگین نوسانات کسری بودجه را در ۱۱ کشور در حال توسعه نفتی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد. نوسانات کسری بودجه در این کشورها بین بازه ۱۲- تا ۶+ در نوسان است. این دامنه گسترده نشان‌دهنده بی‌ثباتی قابل توجه در وضعیت مالی این دسته از کشورهاست.

نمودار ۷. نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۸. نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی



منبع: یافته‌های پژوهش

۵. یافته‌ها

۵-۱. آزمون ریشه واحد

برای تست مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چاو^۱ در نرم‌افزار استاتا استفاده می‌کنیم. نتایج به شرح جدول‌های (۴) و (۵) است. نتایج آزمون لوین، لین و چاو برای همه متغیرها بجز GDP در کشورهای در حال توسعه نفتی حاکی از رد فرضیه H_0 است. بنابراین، طبق فرضیه H_1 داده‌ها در سطح مانا هستند. نتایج آزمون ریشه واحد هادری^۲ نیز حاکی از رد فرضیه H_0 و مانا بودن تمام داده‌ها در سطح است. نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چاو در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی نشان می‌دهد فرضیه H_0 برای همه متغیرها بجز CPI رد می‌شود. نتایج آزمون ریشه واحد هادری نیز نشان می‌دهد تمام متغیرها در سطح مانا هستند، زیرا فرضیه H_0 رد می‌شود.

1 Levin, Lin & Chu

2 Levin, Lin & Chu

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد کشورهای در حال توسعه نفتی

نوع آزمون	deficit	OIL	CPI	POPrate	GDP	RL	CCOR	RQ
آزمون لوین، لین و چو (P value)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۲	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	نامانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح
آزمون هادری (P Value)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. نتایج آزمون ریشه واحد کشورهای در حال توسعه غیر نفتی

نوع آزمون	deficit	CPI	POPrate	GDP	RQ	CCOR	RL
آزمون لوین، لین و چاو (P Value)	۰/۰۰۰	۰/۹۸۷	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	مانا در سطح	نامانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح
آزمون هادری (P Value)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نتیجه	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح	مانا در سطح

منبع: یافته‌های پژوهش

برای اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها و جلوگیری از رگرسیون کاذب انجام آزمون همجمعی ضرورت دارد. با توجه به جدول (۶)، نتایج آزمون همجمعی پدرونی برای متغیرهای هر دو گروه از کشورها وجود یک رابطه بلندمدت میان متغیرها را تایید کرد.

جدول ۶. نتایج آزمون پدرونی

کشور	P value
کشورهای درحال توسعه نفتی	۰/۰۰۰
کشورهای درحال توسعه غیرنفتی	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۵. آزمون F لیمر^۱

به منظور شناسایی نوع داده‌ها از نظر تجمیعی^۲ بودن (داده‌ها دارای یک عرض از مبدا هستند) یا تلفیقی^۳ بودن (داده‌ها دارای عرض از مبدهای متفاوت هستند) آزمون F لیمر برای هر دو دسته از کشورها انجام شد که نتایج آن به صورت جدول (۷) است. مطابق نتایج این جدول از آنجایی که P value کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، فرضیه H_0 مبنی بر اینکه داده‌ها Pool هستند، رد می‌شود و Panel بودن داده‌ها در هر دو گروه از کشورها تایید می‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون F لیمر

کشور	P value
کشورهای درحال توسعه نفتی	۰/۰۰۰
کشورهای در حال توسعه غیرنفتی	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۵. آزمون هاسمن^۴

در این مرحله به منظور انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی برای تخمین داده‌های پانلی از آزمون هاسمن استفاده شده که نتایج آن به شرح جدول (۸) است. همانطور که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد باتوجه به اینکه p value کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، فرضیه

1 F Limer

2 POOL

3 Panel

4 Hausman

H_0 مبنی بر استفاده از مدل اثرات تصادفی رد می‌شود و استفاده از مدل اثرات ثابت برای هر دو گروه از کشورها تایید می‌شود.

جدول ۸. نتایج آزمون هاسمن

کشور	P value
کشورهای در حال توسعه نفتی	۰/۰۰۰
کشورهای در حال توسعه غیرنفتی	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۵. آزمون والد^۱

نتیجه آزمون والد حاکی از وجود ناهمسانی واریانس در میان جزء اخلال‌ها برای هر دو گروه از کشورهاست، زیرا P value کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس بین جزء اخلال‌ها رد می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون والد

کشور	P value
کشورهای در حال توسعه نفتی	۰/۰۰۰
کشورهای در حال توسعه غیرنفتی	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۵. آزمون ولدريج^۲

انجام آزمون ولدريج برای هر دو گروه از کشورهای مورد بررسی در این پژوهش وجود خودهمبستگی مرتبه اول را در میان اجزا اخلال تایید می‌کند، زیرا P value کوچک‌تر از ۰/۰۵ شده و فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول در میان جزء اخلال‌ها رد می‌شود.

1 Wald

2 Woldridge

جدول ۱۰. نتایج آزمون ولدریج

کشور	P value
کشورهای درحال توسعه نفتی	۰/۰۰۰
کشورهای درحال توسعه غیرنفتی	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۶. نتایج تخمین مدل

با توجه به اینکه آزمون هاسمن مدل اثرات ثابت را تایید کرد و همچنین آزمون والد وجود ناهمسانی واریانس و آزمون ولدریج نیز خودهمبستگی مرتبه اول را میان اجزاء اخلاص برای دو دسته از کشورها تایید کرد و تعداد مقاطع (N) از تعداد دوره ی زمانی (T) بزرگ‌تر است برای تخمین از برآورد گر PCSE استفاده می‌کنیم که نتایج آن برای هر یک از گروه‌ها به شرح جدول (۱۱) و (۱۲) است.

جدول ۱۱. نتایج تخمین مدل کشورهای در حال توسعه نفتی

متغیر وابسته: نوسانات کسری بودجه				
متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	مقدار احتمال
C	۲۴/۲۷۷	۴/۵۱۱	۵/۳۸	۰/۰۰۰
OIL	۰/۱۱۵	۰/۳۷۳	۳/۰۹	۰/۰۰۲
CPI	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۲/۲۴	۰/۰۲۵
POPrate	۰/۱۳۲	۰/۱۴	۰/۹۴	۰/۳۴۶
GDP	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	۱۳/۷۱	۰/۰۰۰
RL	-۳/۹۰۲	۰/۵۴۵	-۷/۱۵	۰/۰۰۰
CCOR	-۶۵/۳۵۲	۳۰/۶۲۰	-۲/۱۳	۰/۰۳۳
RQ	-۱۲۴/۷۷۲	۲۲/۳۹۸	-۵/۵۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج تخمین برای کشورهای در حال توسعه نفتی حاکی از وجود یک رابطه مثبت میان درآمدهای حاصل از صادرات نفت و نوسانات کسری بودجه در این کشورهاست. همان طور که نظریه‌ها بیان کرد، دولت‌ها در زمان فراوانی درآمدهای نفتی، مخارج خود

را بی رویه افزایش می دهند، اما در زمان کاهش قیمت نفت، تحریم یا تمام شدن منابع نفتی قادر به کاهش مخارج خود نیستند که این عامل می تواند نوسانات کسری بودجه و به طور کلی ناپایداری مالی را تشدید کند.

همانطور که پیش‌بینی شده بود رابطه نوسانات قیمت و نوسانات کسری بودجه نیز یک رابطه مثبت است؛ یعنی با افزایش نوسانات قیمت‌ها، نوسانات کسری بودجه نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا نوسانات قیمت‌ها با گسترش ناپایداری نسبت به آینده برنامه‌ریزی مالی را با مشکل مواجه خواهند کرد. نتایج به دست آمده از تخمین مدل در کشورهای در حال توسعه نفتی نشان می‌دهد رابطه‌ای که میان تولید ناخالص داخلی سرانه و نوسانات کسری بودجه برقرار است یک رابطه مستقیم است. پژوهش‌های فتاس و میهوف (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰) این نتیجه را نیز تایید می‌کنند. همانطور که در جدول (۱۱) نشان داده شده است در کشورهای در حال توسعه نفتی رابطه‌ای میان نرخ رشد جمعیت یک کشور و نوسانات کسری بودجه وجود ندارد.

نتایج تخمین مدل وجود یک رابطه منفی میان حاکمیت قانون و نوسانات کسری بودجه را تایید می‌کنند؛ به طوری که با افزایش یک واحد حاکمیت قانون در این کشورها، نوسانات کسری بودجه ۳/۹ واحد کاهش خواهد یافت. رابطه میان کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه نفتی و نوسانات کسری بودجه نیز یک رابطه منفی و معنادار است. همانطور که جدول (۱۱) نشان می‌دهد با یک واحد افزایش کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه نفتی می‌توان نوسانات کسری بودجه را ۶۵/۳۵ واحد کاهش داد. رابطه میان کیفیت نظارتی و نوسانات کسری بودجه نیز یک رابطه معکوس است؛ به طوری که با یک واحد افزایش کیفیت نظارتی می‌توان نوسانات کسری بودجه را ۱۲۴/۷۲ واحد کاهش داد که عدد قابل توجهی است. بنابراین، افزایش کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر پایداری مالی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه نفتی اثر مثبت دارد.

جدول ۱۲. نتایج تخمین مدل کشورهای در حال توسعه غیرنفتی

متغیر وابسته: نوسانات کسری بودجه				
متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	مقدار احتمال
C	۹/۳۲۲	۱/۳۳۵	۶/۹۸۸	۰/۰۰۰
CPI	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۷/۴۰	۰/۰۰۰
POPrate	-۰/۱۰۸	۰/۱۴۸	-۰/۷۳	۰/۴۶۶
GDP	۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۳	۲/۶۸	۰/۰۰۷
RQ	-۱۶/۷۰۹	۷/۸۶۱	-۲/۱۳	۰/۰۳۴
CCOR	-۱/۱۸۷	۰/۱۹۱	-۶/۱۹	۰/۰۰۰
RL	-۳۸/۶۰۹	۱۱/۹۶۳	-۳/۲۳	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی همانند کشورهای در حال توسعه نفتی، رابطه نوسانات قیمت و نوسانات کسری بودجه یک رابطه مستقیم است؛ یعنی افزایش نوسانات قیمت می‌تواند با افزایش نوسانات کسری بودجه منجر به ناپایداری مالی در کشورها شود. همچنین متغیر نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی همانند کشورهای در حال توسعه نفتی معنادار نیست. تولید ناخالص داخلی سرانه نیز به طور مثبت بر نوسانات کسری بودجه اثر می‌گذارد؛ زیرا افزایش درآمد سرانه در یک کشور می‌تواند باعث افزایش پروژه‌های عمرانی شود که بودجه زیادی نیاز دارد و این می‌تواند نوسانات کسری بودجه را تشدید کند.

رابطه موجود بین کیفیت نظارتی و نوسانات کسری بودجه در این گروه از کشورها منفی است؛ به طوری که با یک واحد افزایش کیفیت نظارتی دولت‌ها، نوسانات کسری بودجه می‌تواند تا ۱۶/۷ واحد کاهش یابد. نتایج تخمین مدل کشورهای در حال توسعه غیرنفتی وجود رابطه منفی میان شاخص کنترل فساد و نوسانات کسری بودجه را تایید می‌کند؛ به طوری که یک واحد افزایش شاخص کنترل فساد، ۱/۱۸۷ واحد نوسانات کسری بودجه را کاهش خواهد داد. رابطه حاکمیت قانون و نوسانات کسری بودجه نیز

یک رابطه منفی است و همان طور که جدول (۱۲) نشان می‌دهد با افزایش یک واحد شاخص حاکمیت قانون، نوسانات کسری بودجه ۳۸/۶ واحد کاهش خواهد یافت.

برای مقایسه نحوه اثرگذاری هر سه متغیر نهادی بر نوسانات کسری بودجه در دو گروه کشورهای مورد بررسی از آزمون Z استفاده شده است. به منظور مقایسه مقادیر قدرمطلق هر سه متغیر نهادی مورد استفاده قرار گرفته است. فرضیه‌های به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

H_0 : اثرگذاری متغیر کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه نفتی است.

H_1 : اثرگذاری متغیر کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه نفتی نیست.

با توجه به مقدار آماره Z که برابر ۱/۵۳ و مقدار P -Value که برابر ۰/۰۶ شده است فرضیه H_0 رد می‌شود و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین، اثر متغیر کنترل فساد بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر از در حال توسعه غیرنفتی است.

برای آزمون اثرگذاری بیشتر متغیر حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه نفتی نسبت به کشورهای در حال توسعه غیرنفتی فرضیه‌ها عبارت خواهد بود از:

H_0 : اثرگذاری متغیر حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه غیرنفتی است.

H_1 : اثرگذاری متغیر حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه غیرنفتی نیست.

با توجه به آماره Z که برابر ۲/۸۹ و مقدار P -Value که برابر ۰/۹۹ شده است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه H_0 رد می‌شود. بنابراین اثرگذاری متغیر حاکمیت قانون بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه نفتی است.

برای آزمون اثرگذاری بیشتر کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی نسبت به کشورهای در حال توسعه نفتی فرضیه‌ها عبارت خواهد بود از:

H_0 : اثر کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه نفتی است.

H_1 : اثر کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه نفتی نیست.

از آنجایی که مقدار آماره Z برابر $4/55$ شده و با توجه به P -Value که برابر $0/99$ است فرضیه H_0 رد می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت کیفیت نظارتی اثر بیشتری بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی می‌گذارد.

با مقایسه میان این دو گروه از کشورها به این نتیجه می‌رسیم که کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت اثر مثبت دارد؛ به طوری که اثرگذاری شاخص کنترل فساد و کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر است. رانت نفت، کیفیت نهادها را تضعیف کرده است، زیرا باعث شده است در زمان فراوانی درآمدهای نفتی، دولت نتواند کیفیت نظارتی مناسبی داشته باشد و سیاست‌هایی جهت توسعه بخش خصوصی تدوین کند. همچنین در این کشورها به دلیل فشارهای سیاسی حزب‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف برای بهره‌مندی از درآمدهای بادآورده نفت و وابستگی بودجه دولت به نفت، این کشورها با ناپایداری مالی مواجه شده‌اند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به منظور بررسی اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت در ۱۱ کشور در حال توسعه نفتی و ۱۶ کشور در حال توسعه غیرنفتی و مقایسه نحوه اثرگذاری در این گروه از کشورها در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ با استفاده از تکنیک PCSE، مدل یک بار برای کشورهای در حال توسعه نفتی و یک بار برای کشورهای در حال توسعه غیرنفتی تخمین زده شد و نتایج حاصل از دو مدل با استفاده از آماره Z مقایسه شد.

در این پژوهش، نوسانات کسری بودجه به عنوان شاخصی برای پایداری مالی و کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد، شاخص‌هایی برای کیفیت نهادی هستند، زیرا همانطور که مطالعات نشان داده‌اند از میان نهادها، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد، بیشترین اثر را در کنترل نوسانات کسری بودجه و در نتیجه پایداری مالی داشته‌اند. نتایج مدل‌های این پژوهش مانند نتایج مطالعات تانگ و همکاران (۲۰۱۷)، ایوانز و همکاران (۲۰۱۸) و مالک کاهیدین (۲۰۲۲)، وجود رابطه منفی میان کیفیت نهادی به ویژه متغیرهای کیفیت حکمرانی، کنترل فساد و حاکمیت قانون و نوسانات کسری بودجه را تایید کرده‌اند؛ به طوری که با افزایش کنترل فساد در جامعه، افزایش کنترل نظارتی و حاکمیت قانون نوسانات کسری بودجه روندی کاهشی خواهد داشت. مطابق نتایج به دست آمده، اثرگذاری کنترل فساد و کیفیت نظارتی بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی بیشتر است و اثرگذاری حاکمیت قانون بر نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی بیشتر است. همانطور که نتایج این پژوهش نشان داد کشورهای در حال توسعه نفتی باید با تقویت کیفیت نظارتی و کنترل فساد، فساد را در اقتصاد کاهش دهند. با توجه به اینکه نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی که از عوامل تشدیدکننده نوسانات کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه نفتی محسوب می‌شود، این دسته از کشورها باید درآمدهای نفتی را در صندوق‌های ثروت ملی ذخیره کنند و با متنوع کردن منابع درآمدی، اقتصاد را از شوک‌های نفتی در امان نگه دارند. در این دسته از کشورها باید برنامه‌ریزی‌هایی در جهت حذف درآمدهای نفتی از بودجه و تقویت منابع درآمدی غیر از نفت از جمله شکل‌گیری یک سیستم مالیاتی منظم و کارآمد صورت گیرد. از آنجایی که در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی حاکمیت قانون اثرگذاری بیشتر بر پایداری مالی دارد باید با تقویت حاکمیت قانون و نهادهای دموکراتیک پایداری مالی را ارتقا دهند. همچنین باید در جهت تقویت نظام مالیاتی برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد و هزینه‌های عمومی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد سوق دهند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Javad Taherpoor



<https://orcid.org/0000-0002-6163-6614>

Ail Arab Mazar Yazdi



<https://orcid.org/0000-0002-9887-8676>

Mahshid



Malekhosseini

<https://orcid.org/0009-0009-8963-6550>

منابع

- اسدزاده، احمد، برقی اسکویی، محمد مهدی، دژم، نیکتا. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کسری بودجه در کشورهای منتخب منا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز. تبریز. <https://doi.org/10.22054/tssq.2024.44877.104>
- اصلاحی، جواد، میرزائی‌نژاد، محمدرضا، فریدی، مهناز. (۱۳۹۴). بررسی اثر کیفیت حکمرانی خوب بر درآمدهای مالیاتی در گروه کشورهای منتخب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران.
- آل‌سینا، آلبرتو، پروتی، روبرتو، عادل‌زاده، رسول. (۱۳۷۸). اقتصاد سیاسی رشد: نقدی بر نوشته‌های جدید در این زمینه. فصلنامه برنامه و بودجه، ۴۵، ۸۵-۱۱۴. <http://eprj.ir/article-1-731-fa.html>
- آل‌سینا، آلبرتو؛ پروتی، روبرتو؛ عادل‌زاده، رسول. (۱۳۷۹). اقتصاد سیاسی کسری بودجه. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۵(۱)، ۱۲۳-۱۶۴. <http://eprj.ir/article-1-283-fa.html>
- ایزدخواستی، حجت، دادگر، یداله، بیگی، پوریا. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر همزمان کیفیت نهادی و فرار مالیاتی بر عملکرد نظام مالیاتی کشورهای منتخب منا. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقلد/ری، ۱۸(۴)، ۱۲۵-۱۵۸. <https://doi.org/10.22055/jqe.2021.31807.2181>
- اوزاسکی، رولاندو. (۱۳۸۹). تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت. ترجمه شاهین جواد. انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://doi.org/10.5089/9781589061750.071>

- بالتاجی، بادی اچ. (۱۳۹۸). *تحلیل اقتصادسنجی پانل دیتا*، ترجمه محمد نصر اصفهانی و احسان رسولی نژاد. تهران: انتشارات نورعلم.
- سوری، علی. (۱۳۹۴). *اقتصادسنجی، همراه با کاربرد Eviews8 و Stata12*. تهران: انتشارات فرهنگ شناسی.
- فلاحی، علی، فتاحی، شهرام، حیدری دیزگرانی، علی، شکری، نعیم. (۱۳۹۶). بررسی پایداری مالی و شوک‌های مالی گذرا در اقتصاد ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۱(۴۱)، ۱۲۳-۱۵۴. <https://sid.ir/paper/229147/fa>
- مومنی، فرشاد، صمدیان، فرزانه. (۱۳۹۲). تاثیر کیفیت نهادی بر سازوکارهای تبدیل موهبت به نفرین منابع نفتی (مطالعه موردی ایران). *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۳(۵۰)، ۱۷-۶۲.

References

- Agnello, L., & Sousa, R. M. (2009). The determinants of public deficit volatility. <https://hdl.handle.net/10419/153476>
- Albuquerque, B. (2011). Fiscal institutions and public spending volatility in Europe. *Economic Modelling*, 28(6), 2544-2559.
- Alesina, A., & Perotti, R. (1996). Fiscal discipline and the budget process. *The American Economic Review*, 86(2), 401-407. <http://www.jstor.org/stable/2118160>
- Alisina, A., Perotti, R., Adelzadeh, R. (1999). The Political Economy of Growth: A Critique of Recent Writings in the Field. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting* (1999), 45(9), 85-114. <http://eprj.ir/article-1-731-fa.html> [In Persian]
- Alisina, A., Perotti, R., Adelzadeh, R. (2000). The Political Economy of Budget Deficits. *Quarterly Journal of Planning and Budget* (1379), 5(1), 123-164. <http://eprj.ir/article-1-283-fa.html> [In Persian]
- Arif, A., & Hussain, M. (2018). Economic, political and institutional determinants of budget deficits volatility: a panel data analysis. <https://www.um.edu.mt/library/oar/handle/123456789/43730>

- Asadzadeh, A., Barki Oskouei, M. M., Dejam, N. (2018). Investigating the impact of good governance indicators on budget deficit in selected MENA countries. Master's thesis. University of Tabriz. Tabriz. <https://doi.org/10.22054/tssq.2024.44877.104> [In Persian]
- Baltaji, B. H. (2019). *Econometric Analysis of Panel Data*, translated by Mohammad Nasr Esfahani and Ehsan Rasoulinejad. Tehran: Noor Alam Publications. [In Persian]
- Barnett, S. A., & Ossowski, R. (2002). Operational aspects of fiscal policy in oil-producing countries. <https://ssrn.com/abstract=880239>
- Beck, N., & Katz, J. N. (1995). What to do (and not to do) with time-series cross-section data. *American Political Science Review*, 89(3), 634-647. <https://doi.org/10.2307/2082979>
- Beecroft, I., Osabuohien, E., & Olurinola, I. (2018). Institutions, Fiscal Performance, and Development Trajectories in ECOWAS: Implications for Sustainability. *Financing Sustainable Development in Africa*, 121-141. https://doi.org/10.1007/978-3-319-78843-2_6
- Bergman, U. M., Hutchison, M. M., & Jensen, S. E. H. (2016). Promoting sustainable public finances in the European Union: The role of fiscal rules and government efficiency. *European Journal of Political Economy*, 44, 1-19. DOI: 10.1016/j.ejpoleco.2016.04.005
- Besley, T., & Case, A. (1995). Does electoral accountability affect economic policy choices? Evidence from gubernatorial term limits. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 769-798. <https://doi.org/10.2307/2946699>
- Besley, T., & Case, A. (2003). Political institutions and policy choices: evidence from the United States. *Journal of Economic Literature*, 41(1), 7-73.
- Bostan, I., Tudose, M. B., Clipa, R. I., Chersan, I. C., & Clipa, F. (2021). Supreme audit institutions and sustainability of public finance. *links and Evidence Along the Economic Cycles. Sustainability*, 13(17), 9757. <https://doi.org/10.3390/su13179757>
- Buchanan, J. M. (1958). Public principles of public debt: a defense and restatement. (*No Title*). <https://lccn.loc.gov/98045533>
- Cahyadin, M., Sarmidi, T., Khalid, N., & Law, S. H. (2022). Too much debt and budget deficit on fiscal sustainability: Do institutions

- matter?. *Malaysian Journal of Economic Studies*, 59(2), 261-284. <https://doi.org/10.22452/MJES.vol59no2.5>
- Chatha, I. Y., Batool, S. A., Hussain, S., & Asghar, M. M. (2025). Revealing the Role of Technological Innovation, Institutional Quality and Foreign Direct Investment in Impacting Human Development in Developing Countries: Insights from FGLS and PCSE Models. *The Critical Review of Social Sciences Studies*, 3(1), 223-242. <https://doi.org/10.59075/49w55t07>
- Combes, J. L., & Saadi-Sedik, T. (2006). How does trade openness influence budget deficits in developing countries? *The Journal of Development Studies*, 42(8), 1401-1416. <https://doi.org/10.1080/00220380600930762>
- Erlor, H. A. (2007). Legislative term limits and state spending. *Public Choice*, 133, 479-494. <https://doi.org/10.1007/s11127-007-9209-2>
- Eslahi, J., Mirzaeinejad, M. R., Faridi, M. (2015). Studying the effect of good governance quality on tax revenues in a group of selected Islamic countries. Master's thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Tehran. [In Persian]
- Falahati, A., Fattahi, Sh., Heydari Dizgarani, A., and Shokri, N. (2017). A Study of Financial Stability and Transient Financial Shocks in the Iranian Economy. *Financial Economics (Financial Economics and Development)*, 11(41), 123-154. SID. <https://sid.ir/paper/229147/fa> [In Persian]
- Fatás, A., & Mihov, I. (2003). The case for restricting fiscal policy discretion. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1419-1447. <https://doi.org/10.1162/003355303322552838>
- Fatás, A., & Mihov, I. (2006). The macroeconomic effects of fiscal rules in the US states. *Journal of Public Economics*, 90(1-2), 101-117.
- Friedman, E., Johnson, S., Kaufman, D., Zoido-Lobaton, P., 2000. Dodging the grabbing hand: The determinants of unofficial activity in 69 countries. *J. Public Econ.* 76, 459–493.
- Furceri, D., & Ribeiro, M. P. (2008). Government spending volatility and the size of nations. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1188506>

- Geweke, J. F., Horowitz, J. L., & Pesaran, M. H. (2006). Econometrics: a bird's eye view (No. 1870). CESifo Working Paper. <https://hdl.handle.net/10419/25915>
- Hallerberg, M., Strauch, R. R., & Von Hagen, J. (2009). Fiscal governance in Europe. Cambridge University Press.
- Hallerberg, M., Strauch, R., & Von Hagen, J. (2007). The design of fiscal rules and forms of governance in European Union countries. *European Journal of Political Economy*, 23(2), 338-359. doi:10.5282/ubm/epub.13401
- Hobson, C. F. (1996). The great chief justice: John Marshall and the rule of law. University Press of Kansas.
- Islam, K. A., Alam, I., Ali, A., & Mizanuzzaman, M. (2014). The determinants of budget deficit volatility in D-8 Countries: a dynamic panel data analysis. Bangladesh Research Foundation, 130.
- Izadkhasti, H., Dadgar, Y., Beigi, P. (2021). Investigating the simultaneous effect of institutional quality and tax evasion on the performance of the tax system of selected MENA countries. *Quarterly Scientific Research Journal of Quantitative Economics*, 18(4), 125-158. <https://doi.org/10.22055/jqe.2021.31807.2181> [In Persian]
- Johnson, P. (2004). Cross Sectional Time Series: The Normal Model and Panel Corrected Standard Errors. URL <http://pj.freefaculty.org/guides/stat/Regression/TimeSeries-Longitudinal-CXTS/CXTS-PCSE.pdf>.
- Kaufman, D., 2010. Can corruption adversely affect public finance in industrialized countries? Brook. Inst. Opin. April 19.
- Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues1. *Hague Journal on the Rule of Law*, 3(2), 220-246. <https://doi.org/10.1017/S1876404511200046>
- Kenyon, D. A., & Benker, K. M. (1984). Fiscal discipline: Lessons from the state experience. *National Tax Journal*, 37(3), 433-446. <https://doi.org/10.1086/NTJ41791972>

- Keyes, M. A. (2024). *Institutional Quality and Fiscal Policy: An Empirical Investigation in OECD Countries, 2005-2022* (Doctoral dissertation, Southern University and Agricultural and Mechanical College).
- Khan, M., Raza, S., & Vo, X. V. (2024). Government spending and economic growth relationship: can a better institutional quality fix the outcomes? *The Singapore Economic Review*, 69(01), 227-249. <https://doi.org/10.1142/S0217590820500216>
- Knack, S., & Keefer, P. (1995). Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures. *Economics & Politics*, 7(3), 207-227. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0343.1995.tb00111.x>
- Krejdl, A. (2006). Fiscal sustainability: definition, indicators and assessment of czech public finance sustainability. Na Příkopě: Czech National Bank, Economic Research Department. <http://www.cnb.cz>.
- Lee, C. L., Ahmad, R., Karim, Z. A., & Khalid, N. (2023). Institutional quality, income level, and debt sustainability: new evidence using dynamic panel threshold regression. *Technological and Economic Development of Economy*, 29(5), 1520-1538. <https://doi.org/10.3846/tede.2023.19247>
- Levchenko, A. A. (2007). Institutional quality and international trade. *The Review of Economic Studies*, 74(3), 791-819. <https://doi.org/10.1111/j.1467-937X.2007.00435.x>
- Machinjike, N., & Bonga, W. G. (2020). Role of Fiscal Rules and Institutions on Fiscal Sustainability and Growth: Policy Options for Zimbabwe. *Dynamic Research Journals' Journal of Economics and Finance*, 5(2), 26-34.
- Matusaka, J. G. (1995). Fiscal effects of the voter initiative: Evidence from the last 30 years. *Journal of political Economy*, 103(3), 587-623. <https://doi.org/10.1086/261996>
- Matusaka, J. G. (1995). Fiscal effects of the voter initiative: Evidence from the last 30 years. *Journal of political Economy*, 103(3), 587-623.
- Mauro, P., (1996). The effects of corruption on Growth, investment, and government expenditure. IMF Working paper No 96/98

- Mauro, P., (1996). The effects of corruption on Growth, investment, and government expenditure. IMF Working paper No 96/98
- Moak, L. L. (1982). Municipal bonds: Planning, sale, and administration. Municipal Finance Officers Association, Chicago, IL. <https://lccn.loc.gov/82060395>
- Mobarak, A., & Karshenasan, A. (2012). The impact of institutional quality on relation between resource abundance and economic growth. *Iranian Economic Review*, 16(32), 95-110.
- Momeni, F., and Samadian, F. (2013). The effect of institutional quality on the mechanisms of turning the blessing into a curse of oil resources (a case study of Iran). *Quarterly Journal of Economic Research*, 13(50), 17-62. [In Persian]
- Nguyen, C. P., Nguyen, T. V. H., & Nguyen, T. T. (2017). Institutional quality and fiscal policy: an empirical investigation in Asia Pacific countries. *Empirical Economics Letters*, 16(9), 873-882.
- Nordhaus, W. D. (1975). The political business cycle. *The review of economic studies*, 42(2), 169-190. <https://doi.org/10.2307/2296528>
- North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University.
- North, D. C. (1991). Institutions. *Journal of Economic Perspectives*, 5(1), 97-112.
- O'sullivan, A., & Sheffrin, S. M. (2003). Economics: Principles in action. Upper Saddle River, New Jersey, 7458, 246.
- Ozaski, R. (2010). *Formulation and Implementation of Fiscal Policy in Oil-Producing Countries*. Publications of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. <https://doi.org/10.5089/9781589061750.071> [In Persian]
- Rogoff, K., & Sibert, A. (1988). Elections and macroeconomic policy cycles. *The review of economic studies*, 55(1), 1-16.
- Rose, S. (2010). Institutions and fiscal sustainability. *National Tax Journal*, 63(4), 807-837. <https://doi.org/10.2307/2297526>
- Rose, S. (2010). Institutions and fiscal sustainability. *National Tax Journal*, 63(4), 807-837. <https://doi.org/10.17310/ntj.2010.4.11>

- Schick, A. (2005). Sustainable Budget Policy: Concepts and Approaches. *OECD J. Budg*, 5, 107–126.
- Sevüktekin, M., Nargeleçekenler, M., & Giray, F. (2010). A cross-country comparison of corruption and public expenditures: A panel data approach. *International Journal of Public Administration*, 33(3), 140–150. <https://doi.org/10.1080/01900690903304159>
- Shams Gharneh, N., Parsa, F., Moghbeli, M. J., Sepahvand, E., & Rezaeifar, M. R. (2023). Examining the impact of economic growth on financial development (comparing developed and developing countries). *Journal of Development and Capital*, 8(2), 31–50. 10.22103/JDC.2022.19573.1252
- Singh, B. P., & Pradhan, K. C. (2022). Institutional quality and economic performance in South Asia. *Journal of Public Affairs*, 22(1), e2401. <https://doi.org/10.1002/pa.2401>
- Siyakiya, P. (2017). The impact of institutional quality on economic performance: An empirical study of European union 28 and prospective member countries. *World journal of applied Economics*, 3(2), 3–24. <https://doi.org/10.22440/wjae.3.2.1>
- Souri, A. (2015). *Econometrics, with the use of Eviews8 and Stata12*. Tehran: Philology Publications. [In Persian]
- Tanner, E. (2013). Fiscal Sustainability: A 21st Century Guide for the Perplexed (IMF Working Paper, No. WP/13/89).
- Tanzi, V., Davoodi, H. (2002). *Corruption, public investment, and growth*. In: *Abed*. George T., Gupta, Sanjeev. (Eds.), Governance, Corruption, and Economic. https://doi.org/10.1007/978-4-431-67939-4_4
- Tarek, B. A., & Ahmed, Z. (2017). Governance and public debt accumulation: Quantitative analysis in MENA countries. *Economic Analysis and Policy*, 56, 1–13.
- Wei, S-J., Zeckhauser, R. (1999). Dark deals and dampened destinies: corruption and economic performance. *Japan World Econ*. 11, 443–454.

استناد به این مقاله: طاهرپور، جواد، عرب‌مازار یزدی، علی، ملک‌حسینی، مهشید. (۱۴۰۳). اثر کیفیت نهادی بر پایداری مالی دولت در کشورهای در حال توسعه نفتی و غیرنفتی، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۹۵ (۲۴)، ۵–۵۰.



Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.